



بررسی فقهی وصیت عهدی با رویکردی بر قانون مدنی

محمد محسنی دهکلانی^۱، فائزه حسن پور ورکلانی^۲

^۱دانشیار دانشگاه مازندران، mmdehkalany@yahoo.com

^۲دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران، f.hasanpour1993@gmail.com

چکیده

با توجه به اهمیت وصیت عهدی و همچنین احکامی که بر این امر مترتب می‌گردد، همواره این بحث مورد مذاقه فقها و به تبع آن، قانون مدنی قرار گرفته است. وصیت عهدی از فروع متعددی برخوردار می‌باشد و این در حالی است که برخی از فروع و مسائل آن همواره زمینه‌ساز اختلاف نظر فقها بوده است. در این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی صورت پذیرفته، نظرات فقه‌های اسلامی و مواد قانون مدنی ایران طرح و بررسی شده و چنین به دست آمده که از آنجایی که وصی امین به شمار می‌آید، لذا جز در صورت تعدی یا تفریط ضامن نیست، همچنین اینکه وصیت عهدی به دو صورت انفرادی و اجتماعی تحقق می‌یابد و در موارد اجتماع، اوصیاء نمی‌توانند اموال را میان خود تقسیم کنند، تا هر یک به طور جداگانه عمل نمایند. وصی قرار ندادن شخص صغیر امری مسلم است و تنها زمانی متصور می‌شود که وصایت این شخص به انضمام فرد کبیری باشد. اموری نظیر خیانت و حجر وصی و انتفای مورد وصایت از مواردی هستند که پایان یافتن وصیت عهدی را در پی دارد. نیز وصی نمی‌تواند امر وصایت را به فرد دیگری تفویض کند، مگر اینکه آن شخص، تحت عنوان وکیل یا نماینده قانونی وصی عهده دار امر وصایت گردد.

واژگان کلیدی: احکام، وصیت عهدی، وصایت، فقه امامیه

مقدمه

بحث وصیت یکی دیگر از مباحث معروف در فقه اسلامی است که بر مبنای مالکیت خصوصی استوار است و یکی از ادله قطعی مالکیت خصوصی می‌باشد (میانجی، مالکیت خصوصی در اسلام، ۱۴۳). به عبارت دیگر وصیت یکی از اسباب تملک به شمار می‌آید (طاهری، حقوق مدنی، ۷۹/۵). اهلیت عام شخص و مالکیت او ایجاب می‌کند تا زمانی که در قید حیات است، بتواند در اموال خود هرگونه تصرفی را که با نظم عمومی و مصالح اجتماعی مبیئت نداشته باشد، انجام دهد؛ خواه اثر این تصرف مربوط به بعد از موت او یا قبل از آن باشد. این موضوع در همه قوانین موضوعه در کشورهای مختلف با همه اختلافاتی که از لحاظ مذهب و مسلک دارند، مورد پذیرش قرار گرفته است، منتها در پاره‌ای از قوانین، این حق، محدود گردیده و برای اعمال آن، حدود و شرایطی مقرر شده است؛ به عنوان مثال: در حقوق ما، اختیار موصی از لحاظ ارزش و اعتبار، به یک سوم از دارایی او در هنگام مرگ محدود

شده است و در بعضی از قوانین، در عین اینکه شخص را از نظر اجرای قواعد، برای بعد از فوت او، صاحب هیچ‌گونه اختیاری نمی‌دانند، نظر به رعایت حال و احترام به آرزوهای برنیاورده او، جلوگیری از تصرفات او را مجاز نمی‌شمرند، لذا در حقوق کنونی، در دنیا تردیدی در اصل وصیت وجود ندارد و تمام قوانینی که مبتنی بر اصول سرمایه‌داری و احترام به خانواده است، وصیت را مشروع و نافذ می‌دانند (همان، ۶۵/۵-۶۴). دین مقدس اسلام که، بی‌گمان، در تمام احکامش، با ناموسی که مشیت الهی برای سیر و ارتقاء موجودات به کمال مطلوب خود در نهاد طبیعت نهاده همواره مطابقت دارد و راه همان سیر تکاملی طبیعی را به وسیله دستورها و پندها و احکام و تکالیف به عالم بشریت ارائه می‌دهد و از انحراف از نوامیس طبیعی، که موازینی است الهی، جلوگیری می‌کند در این باره نیز حکم وصیت را چنانکه ناموس طبیعت اقتضاء داشته و مشیت احدیت خواسته ایجاب کرده است. به هر جهت حکم وصیت در اسلام تشریع و چگونگی خصوصیات آن به وسیله آیات و روایات تعیین و تشریح گردیده است. تشریع اصل وصیت و جواز وصیت برای وارثان و اقارب و عدم جواز تغییر و تبدیل آن و جواز اقدام به اصلاح میان موصی و وارثان، احکامی است که از آیات استفاده می‌شود (شهابی، ادوار فقه، ۲۳۹/۱). در عین اینکه فقه‌های متأخر و قانونگذار در قانون مدنی، قبل از تعریف وصیت به تقسیم آن به تملیکی و عهدی مبادرت نموده‌اند، ضابطه دقیق و مشخصی برای جدایی و تمایز آن دو از یکدیگر ارائه نداده‌اند، لذا تشخیص موارد آنها و تمایز آن موارد از یکدیگر نیاز به تأمل و دقت دارد. با دقت در موارد این دو قسم از وصیت، می‌توان دو امتیاز اساسی را نتیجه گرفت: الف: در وصیت تملیکی، موصی مستقیماً و بلاواسطه بخشی از مال خود را برای بعد از وفات خود، به شخص یا اشخاصی تملیک می‌کند، در حالی که در وصیت عهدی، موصی، شخص یا اشخاصی اعم از ورثه و غیره را نسبت به تصرفات یا انجام عملی یا انشای تملیکی یا عقدی و یا ولایت بر صغار، پس از فوت خود مأمور می‌نماید؛ مثل اینکه وصیت می‌کند پس از مرگ وی، بدن او را در مکان معینی دفن نمایند، یا جزئی از اموال او را به مصرف معینی برسانند و یا به شخص معینی بدهند و یا برای انجام نماز و روزه فوت شده او اجیر بگیرند، یا مالی از او را وقف کنند و یا دیون او را بپردازند و یا شخصی را برای سرپرستی صغار خود تعیین نمایند و امثال این امور (خوبی، منهاج الصالحین، ۲/۲۱۷). به عبارت روشنتر در وصیت تملیکی، انتقال مالکیت به طور مستقیم انجام می‌گیرد، ولی در وصیت عهدی، ایجاد تعهد برای طرف و یا در بعضی از موارد برای طرفین فراهم می‌آید (محقق داماد، وصیت، ۳۰)؛ بعضی از